

بررسی جایگاه زبان لاتین و تحولات تاریخی آن

دکتر علی فیض‌الهی* afeiz@ut.ac.ir

استادیار زبان‌شناسی دانشگاه تهران، ایران

نسرین گندمی

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی

واژگان کلیدی

* تحولات تاریخی

* زبان لاتین

* دستورنویسان

چکیده

در مقاله‌ی حاضر در تقسیم‌بندی خانواده‌ی بزرگ زبان‌های هند و اروپایی به بحث درباره‌ی زبان لاتین که یکی از زیرشاخه‌های مهم زبان ایتالی است، می‌پردازد. زبان ایتالی، خود یکی از شاخه‌های اصلی زبان‌های هند و اروپایی می‌باشد. در این مقاله تلاش بر این است تا سیر تحولات تاریخی زبان لاتین بررسی شود. دیدگاه این مقاله تاریخی است و به روند تحولات زبان لاتین از نظر معناشناسی، واج‌شناسی، صرف، نحو و دیگر مفاهیم زبان‌شناختی به صورت جزئی نمی‌نگرد. همچنین به گسترش سلطه‌ی روم و برخورد زبان‌ها در روم سخن می‌رود. سپس از دستورنویسانی که تحولات اساسی در این زبان بوجود آوردند و تاثیرپذیری آنها از زبان یونانی، مطالبی عنوان می‌گردد. اغلب زبان لاتین را زبانی مرده می‌نامند واقعیت این است که لاتین هرگز نمرده است بلکه با گذشت زمان، این زبان نیز به سرنوشت طبیعی زبان‌های گسترده مواجه شد و به چندین زبان کاملاً متفاوت تبدیل گردیده است. با این دانسته، پیداست که هرگز نمی‌توان گروهی را به عنوان آخرین کسانی که به زبان لاتین سخن می‌گویند، در نظر گرفت. زبان‌ها پیوسته در تغییرند و در واقع هیچ‌گونه وقفه‌ای در پیوستگی آن‌ها میان یک مقطع زمانی و مقطع زمانی دیگر وجود ندارد.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱۰

مقدمه

زبان‌ها نیز می‌میرند. در هر مرحله‌ای از تاریخ بشر در عین اینکه برخی از زبان‌ها به لهجه‌های مختلف و به تدریج به زبان‌های مجزا تبدیل می‌شدند، برخی دیگر از آن‌ها نیز ناپدید می‌گردیدند. مرگ زبانی یکی از ویژگی‌های عمده‌ی تاریخ بشر است. اغلب، زبان لاتین را زبانی مرده می‌نامند و واقعیت این است که اگر سرباز مشهور ژولیوس سزار دوباره زنده شود، هیچ بومی لاتین زبان زنده‌ای وجود ندارد تا با او به گفتگو بپردازد. البته برخی از پژوهشگران و کاشیشان، لاتین را به عنوان زبان دوم آموخته‌اند ولی این موضوع با بومی بودن متفاوت است. واقعیت این است که لاتین هرگز نمرده است یعنی در هیچ زمانی مردم به یکباره سخن گفتن به آن را کنار نگذاشتند. در هر نسلی، انسان‌ها زبان خود را از والدینشان می‌آموزند و آن را به فرزندان خود نیز منتقل می‌کنند و با این دانسته پیداست که هرگز نمی‌توان گروهی را به عنوان آخرین کسانی که به زبان لاتین سخن می‌گویند، در نظر گرفت. زبان‌ها پیوسته در تغییرند و در واقع هیچ‌گونه وقفه‌ای در پیوستگی آن‌ها میان یک مقطع زمانی و مقطع زمانی دیگر وجود ندارد. بنابراین مرزهای زمانی و مکانی یک زبان، غالباً ثابت نیستند و دقیقاً مشخص نمی‌باشند. دستوریان زبان لاتین، چه نظامی را برای توصیفات دستوری قرار دادند و آن را چگونه به عنوان پایه و مبنای کارهای دیگر خود پذیرفتند و در این را از چه اموری بهره جستند در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بحث و بررسی

شهر روم پس از یک قرن آشوب و بحران داخلی و فشار و یورش خارجی، سرانجام مرکزیت خود را به عنوان پایتخت اداری امپراتوری از دست داد و این در روزگار دیوکلسیانوس اتفاق افتاد که از سال ۲۸۴ تا ۳۰۵ میلادی حکومت کرد. آنگاه جانشین بعدی او به نام کنستانتین دولت خود را به شهری دیگر منتقل کرد و این شهر را در محل شهر بیزانس بنا کرد و آن را به نام خود کنستانتینوپل (قسطنطنیه) نامید. تا پایان قرن چهارم، امپراتوری روم رسماً به دو خطه‌ی شرقی و غربی تقسیم شده بود و هر یک امپراتوری خاص خود را پیدا کرده بود. این تقسیم‌بندی کمابیش در راستای حد و مرزی انجام گرفت که نواحی یونانمدار کهن را از ایالات غربی جدا می‌کرد و این نواحی هرچند مغلوب روم شده بود اما همچنان به زبان و فرهنگ یونانی باقی مانده بود و حال آنکه ایالات غربی ایالاتی بودند که رومیان در سرزمین‌های اقوام وحشی بنیاد نهاده بودند و خود در زبان و فرهنگ، تحت نفوذ رومیان قرار داشتند. به هر حال

قسطنطنیه با آن که همواره از غرب و از شرق در معرض حمله قرار داشت توانست هزار سال در رأس امپراتوری شرقی (بیزانس) پابرجا باشد. تا آنکه سرانجام این شهر نیز در سال ۱۴۵۳ میلادی به دست ترکان گشوده شد و شکست خورد. رومیان از همان نخستین تماس‌هایشان با یونانیان با سعه‌ی صدر و روی خوش پذیرفتند که این قوم در عرصه دستاوردهای فکری و هنری از خود آنان برترند و این به لحاظ زبان‌شناختی در دو زبان متفاوت منعکس شد که یکی زبان رایج ایالات غربی گردید و دیگری زبان رایج ایالات شرقی. در نیمه‌ی غربی امپراتوری که خود هیچ تماسی با تمدن شناخته شده‌ای پیدا نکرده بود، زبان لاتین هم زبان رسمی و اداری شد و هم زبان بازرگانی و حقوق و هم زبان علم و آموزش و هم زبانی که با آن بتوان به پیشرفت‌های اجتماعی نائل آمد. سرانجام نیز صورت گفتاری همین زبان لاتین که با صورت ادبی و کهن آن یکی نبود زبان‌های پیشین بخش بزرگی از ایالات غربی را کنار زد و خود جای آن‌ها را گرفت و در گذر از تحولات زبان‌شناختی‌ای که از سر گذرانده بود به صورت زبان‌های رومیایی درآمد و اینها اکنون در اروپای معاصر رواج و رونق دارند. ولی در نیمه شرقی امپراتوری، که از روزگار یونان‌مداری تا حد زیادی زیر سلطه‌ی اداری یونان بود زبان یونانی به هر حال همان پایگاهی را که از پیش احراز کرده بود همچنان نگاه داشت و مأموران رومی در جریان مأموریتشان در آن نواحی زبان یونانی را به ضرورت می‌آموختند و به کار می‌بستند و ادبیات و فلسفه یونانی در این نواحی همچنان تداوم داشت و محترم شمرده می‌شد. سرانجام هم این تقسیم‌بندی زبانی با تأیید اساسی استحکام یافت و امپراتوری روم در راستای آن به دو امپراطوری شرقی و غربی تقسیم شد و شهر نوبنیاد قسطنطنیه یا بیزانس پایتخت امپراتوری نوپای شرقی شد و در رأس قلمرو روم شرقی بر دشواری‌های بسیاری غالب آمد و از آزمون‌های سخت گذشت و تا آغاز دوران نوزایی^۱ در اروپا همچنان پایدار ماند.

برخورد زبان‌ها در روم:

طی سالیانی که روم بر جهان متمدن غرب فرمان می‌راند، میان لاتین‌زبانان و گویندگان زبان‌های دیگر حتماً می‌باید تماس‌هایی در سطوح مختلف و در جاهای گوناگون پدید می‌آمد و به وجود مترجمان فراوان، نیاز بسیار احساس می‌شد، و آموزش و یادگیری زبان لاتین و در ایالات شرقی، آموزش و یادگیری زبان یونانی، مشغله‌ی همه‌ی قشرها و طبقات، چه در مدارس رسمی و چه در جلسات درس خصوصی در خانه، به شمار می‌آمد. بنابراین آثار بسیار

¹ Renaissance

زیادی در این دوره به زبان لاتین ترجمه شد. نخستین ترجمه عهد عتیق به زبان یونانی به دست دانشمندان یهودی صورت گرفت که خود به عصر یونان‌مداری تعلق داشتند و از قرن سوم پیش از میلاد به بعد ترجمه ادبیات یونانی به زبان لاتین به طور منظم دنبال شد. نفوذ و اعتبار آثار یونانی چندان بر فکر و ذهن لاتین‌زبانان سایه‌گستر شده بود که شاعران لاتین، اوزان اصلی شعر خود را رها کردند و در اوزانی شعر سرودند که از شاعران یونانی آموخته بودند و این شیوه در تمام دوران باستان دنبال شد و پس از آن نیز همچنان ادامه یافت. قبول اوزان یونانی در زبان لاتین سرانجام در اشعار شش رکنی و درخشان ویرژیل و در سوگنامه‌های بی‌همتای اوید^۲ به اوج کمال خود رسید.

احتمالاً هیچ چیز بهتر از جنبه‌ی وزنی و عروضی شعر نمی‌تواند نشان دهد که ادبیات تا چه حد به لحاظ صوری متکی به زبان است. وزن کمی نزد یونانیان امری کاملاً طبیعی بود و این تنها نه به این دلیل بود که شعر همراه با رقص و آواز زاده شد و در کنار همان‌ها رشد کرد بلکه دلیل دیگری نیز داشت و آن تناوب هجاهای بلند و کوتاهی بود که در اجرای روزانه‌ی زبان یونانی چیزی کاملاً زنده به شمار می‌رفت. تکیه‌های نواخت بنیاد^۳ زبان یونانی که تنها در درجه‌ی دوم پدیده‌هایی از نوع تکیه فشاری هم محسوب می‌شدند، به هجاهای این زبان کمک می‌کردند تا فردیت کمی خود را به دست آورند. به هر حال، تکیه در زبان لاتین در سنجش با تکیه در زبان یونانی به طرز محسوس‌تری از نوع تکیه فشاری بود. بنابراین، به احتمال زیاد این اوزان صرفاً کمی که از روی سرمشق‌های یونانی پرداخته شده بودند، در زبان لاتین اندکی بیشتر از زبان اصلی ساختگی می‌نمودند. نظم و وزن شعر در زبان‌های یونانی و لاتین بر اصل تقابل کمی یا سنگینی و سبکی هجاها استوار است.

لاتین در شبه جزیره ایبریا:

زبان لاتین در سال ۲۱۸ قبل از میلاد در شبه جزیره ایبریا که شامل اسپانیای کنونی و پرتغال می‌شود و همچنین بواسطه جنگ‌های پونیک، بوجود آمد. خیرونا^۴ اولین شهر اسپانیایی بود که رومی‌ها در آن پیاده شدند و فتح اسپانیا را بنا نهادند ولی این فتح به دلیل مقاومت برخی از مناطق اسپانیا آسان صورت نگرفت و دو قرن به طول انجامید. لاتینیزه شدن اسپانیا به دلیل طولانی شدن فتح آن، دارای ویژگی خاص و متفاوتی نسبت به باقی اروپای فتح شده، داشت

² Ovid

³ Tonal accents

⁴ Gerona

که یک بُعد آن به ویژگی اجتماعی آن دوران این شبه جزیره هیسپانیا باز می‌گردد و بخش دیگر به تنوع فشارهایی که بدانجا می‌رسیدند، به عبارتی فقط سربازها نبودند که به اسپانیا آمدند بلکه به دلیل طولانی شدن فتح قبایل مختلف رومی، سربازان، مسئولین ادارات دولتی، تجار، ملاکین و حتی مردمی از قشرهای پایین جامعه آن روز روم به این شبه جزیره مهاجرت کردند و همین باعث بوجود آمدن تمایزاتی از همان ابتدا در زبان لاتینی که در اسپانیا می‌شد با باقی مناطق فتح شده و حتی خود مرکز فرماندهی روم بوجود آید. ضمن اینکه تقسیم اقشار هیسپانیا به دلیل طیف وسیعی که از مشاغل و نژادها وجود داشت متفاوت‌تر از جاهای دیگر بود و مردم به دسته‌های شهروندان کامل و آزاد (رومی‌ها)، شهروندانی با آزادی محدود (لاتین‌ها) ساکنین آزاد بدون حق اخذ شهروندی (ساکنین اسپانیا) و بردگان تقسیم می‌شدند.

در رابطه با لاتینیزه شدن زبان هیسپانیا جای دارد خاطر نشان ساخت که این عمل خیلی سریع و بدون مقاومت انجام پذیرفت چرا که با یادگیری این زبان به منابع لاتین و بازارهای روم و فرهنگ و مراودات سریع‌تر آشنا می‌شدند ضمن این که ساکنین هیسپانیا، زبان لاتین را زبانی غنی و با ساختار دستوری کاملتری نسبت به زبان خود یافتند و حاکمین رومی نیز استفاده از زبان لاتین را در تمامی مراکز شهری و دولتی به عنوان تنها زبان رسمی معرفی کرده بودند لذا از همان ابتدا یک تسلط و تبعیض زبانی در جامعه آن روز هیسپانیا بوجود آمد و رفته رفته زبان‌های محلی آن زمان شبه جزیره از بین رفتند (بجز اروسکی که زبان متداول ساکنین باسک می‌باشد) و لاتین جانشین آن شد.

زبان لاتین چنان سریع در این شبه جزیره رشد یافت که ظرف مدت کمی اسپانیا تبدیل به یکی از مراکز ادبی و فرهنگی مهم امپراطوری روم گردید و نویسندگانی نظیر پورسیو لاترون^۵، مارکو آنتو سنکا^۶ و کینتیلیانو^۷ را به دنیای فرهنگ و ادب آن زمان معرفی کرد.

آواشناسی زبان لاتین:

الفبای لاتینی در قرن هفتم پیش از میلاد پدید آمد. الفبای آن ۲۳ حرف دارد.

⁵ Porcio Latrón

⁶ Marco Anneo Séneca

⁷ Quintiliano

تلفظ

حروف

| | | |
|---|---|---------|
| A | a | a |
| B | b | be |
| C | c | ce |
| D | d | de |
| E | e | e |
| F | f | ef |
| G | g | ge |
| H | h | ha, hac |
| I | i | i |
| K | k | ca |
| L | l | el |
| M | m | em |
| N | n | en |
| O | o | o |
| P | p | pe |
| Q | q | cu |
| R | r | er |
| S | s | es |
| T | t | te |
| V | v | u |
| X | x | ix |
| Y | y | ypsilon |
| Z | z | zeta |



واکه‌های آن عبارتند از : a, e, i, o, u, y و سایر حروف همخوان هستند. واکه‌های مرکب شامل ae, oe, ei, au, eu, ui می‌شوند.

واکه‌ها ممکن است به صورت بلند تلفظ شوند که با علامت - نشان داده می‌شود و گاهی به صورت کوتاه تلفظ می‌شوند که علامت آن به این صورت می‌باشد ~ و اگر گاهی بلند و گاهی کوتاه تلفظ شوند به صورت □ نشان داده می‌شود. واکه‌های بلندکشیده‌تر تلفظ می‌شوند و از نظر زمانی دو برابر زمان تلفظ واکه‌ی کوتاه می‌باشد.

از زبان لاتین به عنوان زبان صرفی یاد می‌شود زبان صرفی زبانی است که عناصر معنی‌دار متعددی در یک واژه وجود دارد که به نوعی با هم درآمیزند یا در بافت‌های مختلف دچار دگرگونی شوند. مثلاً در جمله ی زیر:

Ego rosas video.

من رزها را می‌بینم.

من، مفعول + نشانه "ی جمع" در حالت مفعولی، فعل + نشانه صرف اول شخص مفرد در زمان حال (صرف نوع دوم)

در جمله‌ی بالا، هر واژه به دو جزء قابل تقسیم است. به عنوان مثال پسوند -as شامل نشانه جمع و مفعول است و تجزیه‌ی آن به عناصر کوچک‌تر امکان‌پذیر نیست. همین مطالب در مورد پسوند -o نیز صادق است.

لاتین محاوره‌ای:

زبان لاتین نیز به مانند دیگر زبان‌ها دارای تنوع زبانی است مرتبط با عوامل گویشی، اجتماعی، فرهنگی، فاکتورهای تاریخی و نیز در آخر فاکتورهای بیانی که در واقع نتیجه هم‌نشینی با دیگر زبان‌ها می‌باشد. در واقع لاتین محاوره‌ای، لاتینی بود که سینه به سینه منتقل شده بود و بر خلاف لاتینی که رومی‌ها برای محاوره استفاده می‌کردند و معرف لاتین کلاسیک بود، نوع گویشی لاتین به شمار می‌رفت که در کوچه و خیابان توسط مردم عامی استفاده می‌شد و از لاتین کلاسیک در خیلی از مسائل ساختاری و گویشی دور بود چرا که زبانی پویا و زنده‌ای بود مختص محاوره و غیر کتابت و به دلیل گستره و محبوبیتش در بین مردم، در واقع لاتینی بود که بعدها گسترش یافت و تا قاره‌ی آمریکا نیز رسید و منجر به تولید آثار ادبی و هنری بسیاری در این زبان شد؛ بر خلاف لاتین کلاسیک که فقط در حالت کتابت ماند. لذا به جرات می‌توان گفت که زبان‌های رومیایی، رشد و گسترش خود را مدیون زبان لاتین محاوره‌ای می‌دانند تا کلاسیک. با توجه به این که لاتین محاوره‌ای فقط در محیط‌های غیر رسمی استفاده می‌شد لذا متن و یا مدرکی جهت نشان دادن ریشه محاوره‌ای زبان‌های رومی به طور واضح و شفاف وجود نداشت ولی به لطف محاوره‌ای بودن برخی از آثار ادبی آن دوران که توسط افرادی نگاشته شده‌اند که دارای سواد لاتین کلاسیک بالایی نبودند علم زبان شناسی توانست مجموعه‌ای از دست نوشته‌های آن دوران را گردآوری نماید که برای مطالعه‌ی ریشه‌ها حائز اهمیتند. برخی از این مدارک و منابع مطالعاتی عبارتند از:

آثار دستوری لاتین که بسیاری از نویسندگان لاتینی برای علاقه شخصی، سعی در کتابت نمودن ساختار دستوری لاتین نمودند، در آنها عباراتی وجود داشت که در جامعه مصطلح بود ولی از نظر لاتین کلاسیک، غلط به شمار می‌رفت و از گویشوران خواسته بودند که از این ساختارها استفاده نکنند. آپو کلاودیو^۸ (۳۰۰ قبل از میلاد مسیح) یکی از اولین دستورشناسان لاتین که سعی در سانسور کردن این نوع از اشتباهات داشت در واقع بدعت فرهنگ "غلط نویسیم" را در زبان لاتین گذارد که تا به امروز این روند ادامه دارد. یکی از مهمترین آثار بوجود آمده در آن دوران، در خصوص تصحیح اصطلاحات محاوره ای است که در زبان لاتین کلاسیک وارد شده Appendix Probi (قرن ۴ قبل از میلاد) و نگارنده‌ی آن سعی کرده ۲۲۷ اصطلاحی که در آن دوران در جامعه مصطلح بود را تصحیح نماید.

لغت نامه‌ی لاتین، منبع قابل استفاده زبان‌شناسان بود که در آنها مجموعه‌ای از واژگان روزمره و رایج زبان لاتین به صورت تک زبانه گردآوری شده و واژگان و اصطلاحاتی را که توسط مردم مورد استفاده قرار می‌گرفت به لاتین کلاسیک برگردانده بودند. یکی از معروفترین آثار این دوران، مربوط به واژه‌شناس لاتین ایسیدورو د سویلا^۹ (۵۷۰-۶۳۶) می‌باشد که در آن اطلاعات ارزشمندی در خصوص لاتین محاوره‌ای و کوچه و خیابانی در اسپانیا و جاهای دیگر که زبان لاتین شیوع داشت، ارائه شده است. همچنین مجموعه واژگان امیلیانس^{۱۰} نیز مربوط به این دوران می‌باشد.

ویژگی‌های لاتین محاوره‌ای:

شناخت لاتین محاوره‌ای برای تفسیر و توضیح ویژگی‌های دستوری زبان‌های رومیایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. متحول شدن از محل استفاده و به صورت خودبخودی به جای رسمی و کلیشه‌ای که ناشی از زبان کتابت و یا ادبیات می‌باشد، از دیگر گرایش‌های کلی تمامی زبان‌های دنیا محسوب می‌گردد. به عبارتی ویژگی‌های زیادی در زبان لاتین و در نتیجه در زبان‌های رومیایی یافت می‌شوند که چنانچه با لاتین محاوره‌ای آشنا نباشیم دارای توجیه منطقی نیستند چرا که تحولات زبانی هستند که هیچگاه نمی‌توانستند نتیجه تحول زبان لاتین کلاسیک باشند و در چارچوب قواعد زبانی آن نمی‌گنجند. برخی از موارد آن عبارتند از:

^۸ Apio Claudio

^۹ Isidoro de Sevilla

^{۱۰} Emilianes

- ۱- نظم واژگان: در ساختار کلاسیک لاتین به راحتی مبالغه و جابجایی بین واژگان امکان‌پذیر بوده به عبارتی جای‌گیری واژگانی بین دو واژه هم معنا بسیار مرسوم بوده ولی در زبان لاتین محاوره‌ای، ترجیح بر قرار گرفتن نهاد و گذاره در کنار هم، است.
- ۲- حروف معین: در لاتین کلاسیک حروف معین معمولاً در داخل عبارت قرار می‌گرفتند در حالی که در لاتین محاوره‌ای سعی در هم‌نشینی آنان با واژگانی است که بر آنها دلالت دارند. این نظم هم‌نشینی رفته رفته در دوران آخر امپراطوری روم جای خود را در زبان کتابت نیز باز نمود و این مورد، امروزه در زبان‌های ریشه رومانیایی هنوز پابرجاست.
- ۳- صرف: زبان لاتین زبانی سببی محسوب می‌شد با پنج حالت صرفی که در آنها عملکرد ساختاری جملات بر اساس نوع مورفولوژی هر واژه‌ای تعیین می‌شد. با این وجود در زبان‌های رومانیایی مشاهده می‌شود که این سیستم صرفی، جای خود را به سیستم استفاده از حروف اضافه داده که ویژگی لاتین محاوره‌ای به شمار می‌رود. برای این کار، لاتین محاوره‌ای حروف اضافه‌هایی را وارد لاتین کرد که امروزه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- ۴- جنسیت: در زبان لاتین جنسیت اشیاء خیلی ساده‌تر از لاتین کلاسیک است، یکی از موارد بارز آن وجود نهادهای خنثی در زبان لاتین کلاسیک بود که در محاوره‌ای در طبقه‌بندی مذکر قرار گرفتند.
- ۵- صفات مقایسه‌ای: در زبان لاتین پسوندهای زیادی برای مقایسه تفصیلی و عالی وجود داشتند که در زبان‌های رومانیایی کنونی به یک حالت تبدیل شده‌اند و از ویژگی‌های لاتین محاوره‌ای به شمار می‌رود.
- ۶- صفات اشاره: تاثیر زبان محاوره‌ای که اهمیت زیادی به مشتقات اشاره‌ای می‌داد باعث بوجود آمدن صفات اشاره‌ای در زبان‌های رومانیایی شد و در حد چشمگیری استفاده از صفات اشاره‌ای که با یک اسم همراهی می‌شدند را زیاد کرد، به ویژه زمانی که می‌خواستند به موضوعی و یا شیئی اشاره کنند که قبلاً از آن صحبت شده بود و از آنجا حروف تعریف معین در زبان‌های رومانیایی بوجود آمدند که لاتین کلاسیک فاقد آنها است ولی در تمامی زبان‌های رومانیایی دیده می‌شوند.

۷- صرف افعال: در رابطه با صرف افعال آنچه که در زبان لاتین محاوره‌ای دیده می‌شود ولی در لاتین کلاسیک وجود نداشته، استفاده از عبارات اسمی می‌باشد. بدین ترتیب تمامی حالت‌های مجهول فعل حذف و عبارات اسمی جای آنها را گرفته‌اند؛ هم چنین زمان آینده نیز جای خود را به ساختار اسمی داد که امروزه در زبان‌های ریشه رومانیایی بسیار مرسوم می‌باشند.

۸- واژگان: واژگان لاتین محاوره‌ای بسیاری از واژگان کلاسیک را به خاطر عدم استفاده فراموش کرده است به همین دلیل گاهی اوقات که برای یک معنا دو واژه در زبان کلاسیک وجود داشته جای خود را در محاوره‌ای به یک واژه داده و با استفاده از پسوند، پیشوند و میان‌بند واژه‌سازی کرد تا جایگزین واژگان فراموش شده، شود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ریشه لاتین محاوره‌ای و علائم آن در کلیه زبان‌های رومیایی وجود دارد. در قرن ششم یک زبان لاتینی که به شدت محاوره‌ای شده به عنوان یک زبان می‌میرد (و فقط به عنوان یک ابزار علوم پزشکی به حیات خود ادامه می‌دهد) و جای خود را به گویش‌های متعددی می‌دهد که در آینده و با گذشت زمان تبدیل به زبان‌های رومی می‌شوند.

زبان‌شناسی و زبان لاتین:

در آغاز قرن بیستم، زبان‌شناس معروف رامون منندز پیدال^{۱۱} بدعت مطالعه‌ای در ریشه زبان‌های اروپایی را گذاشت که نتیجه آن به رسمیت شناختن لاتین محاوره‌ای به عنوان ریشه زبان‌های رومانیایی و در نتیجه زبان اسپانیایی بود. ولی مشکلاتی در این زمینه بوجود آمد: چگونه می‌توان ریشه‌های یک گونه از زبان را مطالعه کرد درحالی که محاوره‌ای بوده و سنخیتی با زبان کتابت خود ندارد؟ از کجا می‌توان اطلاعات کسب کرد؟ زبان‌شناسانی که خود را وقف این موضوع کردند مدارک با ارزشی در این زمینه یافتند.

همانند دیگر بخش‌های دانش و فرهنگ، رومیان در زمینه زبان‌شناسی نیز یافته‌های یونانیان را به عاریه گرفتند. زبان‌شناسی رومیایی تا حد زیادی به کارگیری اندیشه‌ها، جدال‌ها و مقوله‌های دستور زبان یونانی بر لاتین بود. شباهت ساخت‌های اصلی دو زبان به همراه یگانگی تمدن یونانیان و رومیان، انتقال این دانش زبانی را بهتر میسر ساخت.

^{۱۱}Ramón Menéndez Pidal

تجربه‌ی رومیان در دانش زبان‌شناسی نیز تابع همان شرط عام و فراگیری بود که بر کل تجربیات آنان در همه زمینه‌های علمی سایه‌گستر بود و آن شرط عام ریشه در نسبت و در پیوندهایی داشت که میان آنان و عالم فکر و فرهنگ یونانی برقرار بود. زبان‌شناسی رومیایی از بسیاری جهات چیزی جز این نبود که اندیشه‌های یونانیان را در مطالعه‌ی زبان لاتین به کار بندند و مقولات زبان آنان را بر این زبان جاری سازند و مباحث آنان را در ساحت زبان لاتین دنبال کنند. آنچه کار این انتقال زبان‌شناختی و فرازبانی را آسان می‌ساخت یکی شباهتی نسبی بود که میان ساخت‌های پایه‌ی هر دو زبان یونانی و لاتین به چشم می‌خورد و دیگری یگانگی تمدنی بود که در ایجاد آن یونان و روم هر دو دخالت داشتند.

وارو^{۱۲} نخستین نویسنده جدی لاتین زبان است. کتاب زبان لاتین او بالغ بر بیست و پنج جلد می‌شد^{۱۳}. اما فقط شش جلد از مجلدات او به نام زبان لاتین به دست ما رسیده است. وی اصیل‌ترین کس در میان همه پژوهشگران لاتین است که به مسائل زبان‌شناختی پرداخته است. به نظر می‌رسد که وارو از یونانیان مقدم و معاصر خود فقط استفاده می‌کرده و نه آنکه آراء آنان را با حداقل تغییر به کار زبان لاتین می‌بسته است.

وارو معتقد بود که زبان از دل مجموعه‌ی محدودی از واژه‌های نخستین برآمده و رشد کرده است و آن مجموعه، اصل و منشأ زبان را تشکیل می‌دهد. واژه‌های یاد شده را در آغاز از آن رو بر اشیاء نهاده‌اند تا بتوان از آن اشیاء یاد کرد و همین‌ها حکم سرچشمه‌ی زایا و جوشانی را پیدا کرده‌اند که از دل آن شمار فراوانی از واژه‌های دیگر نشأت یافته است و واژه‌های دیگر یا از رهگذر تغییرات بعدی در حروف پدید آمده‌اند و یا از رهگذر تغییر در صورت‌های آوایی واژه‌های نخستین. وی معتقد است که این تغییرات در حروف با گذشت سالیان صورت می‌گیرد و برای نمونه به برخی از واژه‌های موجود در زبان لاتین باستان از صورت‌های کهنه یا نخستین به دست می‌آید. مثلاً واژه‌ی *bellum* در لاتین باستان از صورت کهنه‌تر *duellum* آمده است. واژه‌ی *bellum* در لاتین به معنای "جنگ" است. وی می‌گوید معانی واژه‌ها نیز تغییر پیدا می‌کند. مثلاً معنای واژه‌ی *hostis* تغییر کرده است این واژه یک وقت معنای "بیگانه" را می‌رسانده است اما در زمان وارو و در لاتین باستان و همچنین بعدها معنای "دشمن" از آن افاده می‌شده است. در اشاراتی که وارو می‌نماید نوعی ناآگاهی نسبت به

¹²Varro

¹³ De lingua Latina

تاریخ زبان‌شناسی به چشم می‌خورد. اما واقعیت امر از این قرار بود که برخی از این واژه‌ها حاصل وام‌گیری‌های تاریخی بودند و آن وام‌گیری‌ها در ادوار مختلف و همگی پس از آن صورت گرفته بودند که دو جامعه زبانی یونانی و لاتین نخست به طور غیرمستقیم با هم تماس پیدا کرده بودند و آنگاه به طور مستقیم و برخی دیگر از آنها واژه‌های هم‌خانواده‌ای بودند که از صورت‌های هند و اروپایی و لذا کهن‌تری آمده بودند که اکنون هم می‌شود با استفاده از شیوه‌های زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی به وجود آنها به قرائن پی برد و اشکال آنها را تا حد زیادی بازسازی کرد.

یکی از مهمترین ملاحظات وارو تمایز گذاردن میان ساخت‌های اشتقاقی و تصریفی است. در دوران باستان، ساخت‌های یاد شده کاملاً روشن نبود. یکی از مشخصه‌های صریح تصریف‌ها عمومیت گسترده‌ی آنهاست یعنی مقوله‌های تصریفی برای همه سخنگویان یکسان است. در مقایسه با آن، اشتقاقی‌ها از لحاظ کاربرد، همانند تصریفی‌ها، چنین عمومیت گسترده و همگانی ندارد بلکه احتمالاً از یک سخنگو به سخنگوی دیگر و از یک ستاک واژه به دیگری فرق می‌کند.

به این ترتیب، وارو برای نخستین بار، ساخت واژگانی و دسته‌بندی واژه‌ها در زبان لاتین را به دست داد. مقوله‌های واژگانی ارائه شده توسط وارو نشان می‌دهد که او چگونه بدون عاریه‌گیری محض، یافته‌های یونانیان را درک کرده و در زبان لاتین به کار برده است. او حالت^{۱۴} و زمان^{۱۵} دستوری را به عنوان نخستین مقوله‌های تمایزدهنده واژه‌های تصریفی بازساخت و نظامی از دسته‌های چهارگانه‌ی واژه‌های تصریفی یعنی اسم، فعل، صفت فعل^{۱۶} و قید را به دست آورد. به هر حال، می‌توان گفت که در میان رومیان وارو احتمالاً مستقل‌ترین و اصیل‌ترین پژوهشگر و نویسنده درباره‌ی مسائل زبان‌شناسی بوده است. پس از او، نویسندگان اغلب مسائل زبان‌شناسی پیشین را دنبال کرده‌اند بدون آن که موضوع تازه‌ای ارائه دهند.

پس از وارو می‌توان به زبان‌شناسان زیر اشاره کرد:

رمیئوس پاله مون^{۱۷}: رمیئوس پاله مون، نخستین نویسنده‌ای بود که با اصوات به عنوان طبقه‌ای جداگانه برخورد کرد. وی دستوری و محقق ادبی بود و در قرن اول پس از میلاد

¹⁴ Case

¹⁵ tense

¹⁶ Participle

¹⁷ Remmius Palaemon

می‌زیست و طبقه‌ی اصوات را به منزله‌ی طبقه‌ای تعریف کرد که اعضای آن هیچ معنای ثابتی نداشتند بلکه بر عواطف و احساسات اشاره داشتند. شاگرد پاله مون، کوئین تیلیان^{۱۸} بود.

کوئین تیلیان: کوئین تیلیان به دستور زبان به اختصار می‌پردازد و آن را در زمره‌ی علوم مقدماتی قرار می‌دهد یعنی علمی که به دست آوردنشان برای درک درست و کامل ادبیات در سطح آموزش عمومی ضرورت دارد. وی سخن از تحلیل نظام طبقات کلمه در زبان لاتین می‌زند. این موضوعی بود که در ذهن آن دسته از پژوهشگران لاتین که زبان یونانی آموخته بودند جای مهمی را اشغال می‌کرد. او پیشنهاد کرد که استعمال ابزاری را از حالت ازی جدا کند و آن را به عنوان هفتمین حالت در نظر گرفت.

دوناتوس^{۱۹} (سده چهارم میلادی) و پریسکیانوس^{۲۰} (سده پنجم و ششم) نیز از دستورنویسان برجسته‌ی زبان لاتین به شمار می‌آیند. دستور زبان پریسکیانوس که حدود سال ۵۰۰ میلادی به رشته‌ی تحریر کشیده شد متشکل از هجده کتاب است و شماره صفحات آن بالغ بر هزار صفحه‌ی چاپی امروزی می‌شود.

شمار دستوریانی که از نخستین سده‌ی میلادی به بعد در گوشه و کنار امپراتوری روم به کار نگارش دستور زبان لاتین سرگرم بوده‌اند بسیار زیاد است اما بلند آوازه‌ترین کسان در آن میان یکی دوناتوس بود و دیگری پریسکیانوس. دستور زبان‌های لاتین نوشته شده توسط آنان در تمامی دوران سده‌های میانه (۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی) به عنوان کتاب‌های درسی مورد استفاده قرار گرفت. با این حال، همه دستورنویسان زبان لاتین از جمله دوناتوس و پریسکیانوس تنها روش‌های توصیف دستوری تراکس و آپولونیوس دوسکولوس را بر زبان لاتین به کار بستند. آنان دستور زبان یونانی تراکس و آپولونیوس را منابع موثق برای بررسی دستور زبان می‌دانستند. از همین رو، همان مقوله‌های دستوری و واژه‌های فنی را در بررسی دستور زبان لاتین به کار بردند و از این راه، نزدیک‌ترین واژه‌های لاتین را به جای واژه‌های فنی دستور زبان یونانی به دست آوردند.

پریسکیانوس در نیمه دوم سده پنجم میلادی در قسطنطنیه به آموزش دستور زبان لاتین اشتغال داشت. از همین رو، او کوشید تا در این زمینه اثری جامع پدید آورد. هر چند که او از یافته‌های دستورنویسان زبان لاتین پیش از خود بسیار سود برد، با این حال، هدف او این بود

¹⁸ Quintilian

¹⁹ Donatus

²⁰ Priscian/Priscianus

که هرچه بیشتر نظام دستور زبان یونانی تراکس و آپولونیوس را به زبان لاتین منتقل گرداند. پریسکیانوس همانند دستورنویسان یونانی دوران باستان و به پیروی از آنان نظریه دستوری واژه و دسته‌بندی تصریفی را پایه تحلیل و توصیف زبان لاتین قرار داد. بر این اساس، او هشت بخش واژه دستور زبان یونانی تراکس و آپولونیوس را در زبان لاتین ارائه کرد. تنها یک تغییر در هشت بخش واژه تراکس و آپولونیوس ایجاد کرد. به این معنی که در برابر حرف تعریف یونانی، در زبان لاتین باستان چیزی وجود نداشت. از این رو، او برای باقی نگه‌داشتن هشت بخش دستوری، به جای حرف تعریف، بخش صوت را به صورت بخش جداگانه ای بازساخت.

دستور زبان پریسکیانوس تا هشت قرن، پایه دستور زبان‌های بعدی لاتین و نیز شالوده آموزش زبان لاتین را پدید آورد. در واقع، همه افزوده‌ها و اصلاحات دستورنویسان بعدی زبان لاتین در همان چارچوب دستور زبان پریسکیانوس ارائه شد. پریسکیانوس نقطه اوج زبان‌شناسی رومیایی را نشان می‌دهد. او در به کارگیری نظریه دستوری زبان یونانی بر زبان لاتین بیشترین توفیق را به دست آورد. از این رو، دستور زبان پریسکیانوس نه تنها پایان بخش پژوهشگری دستوری در دوران روم باستان، بلکه همچنین پل میان دوران باستان و پژوهش‌های زبان‌شناسی در سده‌های میانه به شمار می‌رود. دستور زبان او همچنین شالوده فلسفه زبان را در دوران میانه تشکیل می‌دهد. در واقع، همه توصیف‌های دستور زبان لاتین در روزگار کنونی نتیجه مستقیم گردآوری‌های دستورنویسان زبان لاتین در سده‌های میانه به شمار می‌رود که همه به نوبه خود بر پایه دستور زبان پریسکیانوس فراهم آمده‌اند. از این رو، در میان همه کتاب‌های دستور زبان لاتین، دستور زبان پریسکیانوس اثری برجسته می‌باشد.

پریسکیانوس کار خود را درباره‌ی زبان و ادبیات کهن لاتین به طور منظم دنبال می‌کند و او توصیف خود را از این زبان با بحث در باب تلفظ آن آغاز می‌کند. پریسکیانوس تلفظ زبان لاتین را طرح می‌کند و شرح می‌دهد و ساخت هجا را در این زبان به دست می‌دهد و برای این کار حروف لاتین را توصیف می‌کند. او از آواشناسی به ساختواژه می‌رود. در این سطح، کلمه و جمله را درست در قالب همان اصطلاحاتی که تراخس برای همین مقصود به کار برده بود، تعریف می‌کند. وی به صراحت می‌گفت هرگونه برش یا تجزیه‌ای که پایین‌تر از سطح واژه صورت پذیرد فاقد هرگونه اعتبار و ارزش زبان‌شناختی است و منظور او از این گونه برش‌ها و تجزیه‌ها همان است که امروزه تحلیل ساختواژی نامیده می‌شود.

به این ترتیب، آثار وارو و دیگر دستورنویسان و پژوهش‌های یاد شده پایه تمامی آموزش‌های ادبی در قرن‌های بعد از دوران باستان و نیز قرن‌های میانه و همچنین آموزش سنتی در دنیای جدید به شمار می‌رود.

در سده‌های میانه، هنگامی که زبان لاتین از حال باستانی به صورت زبان‌های رومیایی کنونی تغییر شکل می‌داد باز هم بررسی و آموزش دستور زبان لاتین به عنوان سنتی کهن همچنین ادامه داشت و زبان لاتین همچنان نفوذ ادبی، دینی و فرهنگی خود را دارا بود. دستور زبان لاتین یکی از موضوع‌های اصلی آموزشی بود. همچنین، درست خواندن و درست نوشتن زبان لاتین پایه‌ای برای هرگونه پژوهشگری در دوران میانه به شمار می‌رفت. در همین دوران فلاسفه مسیحی برخی دیگر از مشخصه‌های دستور زبان لاتین را آشکار ساختند، از جمله برخی تمایزها میان اسم و صفت، مطابقه دستوری (مطابقه میان برخی واژه‌های مرتبط در جمله)، حاکمیت دستوری (مطابقه میان دو عنصر از مقوله‌های متفاوت، مثلاً فعل و اسم) و بدل. البته همه پژوهش‌های زبان لاتین در خدمت عقاید و الهیات مسیحی به کار می‌رفت. مسیحیت دین جهانی انگاشته می‌شد و از این رو، هم از طریق آموزش زبان لاتین به سخنگویان دیگر زبان‌ها و هم از راه ترجمه متون دینی مسیحی از زبان لاتین به زبان‌های دیگر، بررسی‌ها و دانش زبان گسترش می‌یافت. از جمله نظریه ترجمه (مثلاً ترجمه مفهوم به مفهوم، در برابر ترجمه واژه به واژه) از همین راه پدید آمد. به منظور آموزش در نقاط گوناگون اروپا، دستور زبان لاتین نوشته شد. در این میان، دستور زبان لاتین برای تدوین دستور زبان برای دیگر زبان‌های اروپایی نمونه قرار گرفت. در این راه، هر چند که دستورنویسان از تفاوت‌های موجود میان زبان لاتین و زبان‌های خود آگاه بودند، با این حال، تفاوت‌های یاد شده برای به کارگیری نظام دستور زبان پریسکیانوس بر زبان‌های دیگر مانعی محسوب نمی‌شد. بنابراین در تاریخ زبان‌شناسی، نیمه دوم دوران میانه از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا دوره مذکور دوره شکوفایی فلسفه مسیحی بود که در آن مطالعات زبانی جایی مهم داشت و از همین رو بررسی‌های زبان‌شناسی قابل ملاحظه‌ای صورت پذیرفت.

نتیجه گیری

در مجموع می‌توان گفت که همه دستوریان زبان لاتین، نظامی یکسان برای توصیفات دستوری قرار دادند و همان نظام را به عنوان پایه و مبنای کارهای دیگر خود پذیرفتند و از آن پیروی کردند. این دستوریان از بسیاری جهات فاقد هرگونه اصالت یا ذوق نوآوری بودند و

منتهای تلاششان صرف آن می‌شد که همان اصطلاحات و مقولاتی را که دستوریان یونان فراهم آورده بودند به کار تحلیل زبان لاتین ببندند. اینان اصطلاحات فنی یونانی را به طرز یکنواخت و ثابت به لاتین ترجمه کردند و در انجام این امر از نزدیک‌ترین واژه‌ی لاتین به هر اصل یونانی بهره جستند.

زبان‌ها نیز می‌میرند. در هر مرحله‌ای از تاریخ بشر در عین اینکه برخی از زبان‌ها به لهجه‌های مختلف و به تدریج به زبان‌های مجزا تبدیل می‌شدند، برخی دیگر از آن‌ها نیز ناپدید می‌گردیدند. مرگ زبانی یکی از ویژگی‌های عمده‌ی تاریخ بشر است. اغلب زبان لاتین را زبانی مرده می‌نامند و واقعیت این است که اگر سرباز مشهور ژولیوس سزار دوباره زنده شود، هیچ بومی لاتین زبان زنده‌ای وجود ندارد تا با او به گفتگو بپردازد. البته برخی از پژوهشگران و کیشیان، لاتین را به عنوان زبان دوم آموخته‌اند ولی این موضوع با بومی بودن متفاوت است. مرگ زبانی اغلب هنگامی روی می‌دهد که سخنگویان به یک زبان با جایگزین کردن یک زبان دیگر از سخن گفتن به زبان خودشان سرباز می‌زنند. این وضعیت وقتی پیش می‌آید که یک زبان با زبان دیگری که دارای منزلت بیشتری است تماس پیدا کند.

واقعیت این است که لاتین هرگز نمرده است یعنی در هیچ زمانی مردم به یکباره سخن گفتن به آن را کنار نگذاشتند. این زبان در اغلب مناطق سرزمین امپراتوری روم در دو هزار سال پیش رواج داشت. اما با گذشت زمان، این زبان نیز به سرنوشت طبیعی زبان‌های گسترده مواجه شد و به چندین زبان کاملاً متفاوت تبدیل گردید. با تجزیه سیاسی امپراتوری روم، عامل همگرایی نیرومندی وجود نداشت تا در برابر تمایل طبیعی زبان به دگرگونی در مناطق مختلف مقاومت کند و به همین دلیل تفاوت بین زبان‌های گفتاری مناطق دوردست امپراتوری کهن در گذر زمان بیشتر و بیشتر شد. در هر نسلی انسان‌ها زبان خود را از والدینشان می‌آموزند و آن را به فرزندان خود نیز منتقل می‌کنند و با این دانسته پیداست که هرگز نمی‌توان گروهی را به عنوان آخرین کسانی که به زبان لاتین سخن می‌گویند، در نظر گرفت. زبان‌ها پیوسته در تغییرند و در واقع هیچ گونه وقفه‌ای در پیوستگی آن‌ها میان یک مقطع زمانی و مقطع زمانی دیگر وجود ندارد. بنابراین مرزهای زمانی و مکانی یک زبان غالباً ثابت نیستند و دقیقاً مشخص نمی‌باشند. به طور دقیق معلوم نیست در چه تاریخی زبان لاتین به فرانسوی باستان یا ایتالیایی باستان یا اسپانیایی باستان تبدیل شده است. اما صورت‌های مختلف زبان لاتین که امروزه در پاریس، رم و مادرید به کار می‌رود با زبان رومی‌ها و با یکدیگر آنقدر

متفاوت هستند که دیگر نمی‌توان آن‌ها را "لاتین" نامید، امروزه به جای "لاتین پاریس"، "لاتین رم" و "لاتین مادرید" از عنوان "فرانسه"، "ایتالیایی" و "اسپانیایی" استفاده می‌شود و در واقع از اینها می‌توان به عنوان صورت‌های متأخرتر زبان لاتین یاد کرد.

منابع

آرلاتو، آنتونی، ۱۳۸۴، *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه‌ی یحیی مدرس، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۷۴، *تاریخ زبان فارسی*، تهران، انتشارات سمت.

اگرادی، ویلیام و دیگران، ۱۳۸۴، *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر*، ترجمه‌ی علی درزی، تهران، انتشارات سمت.

تراسک، آرال، ۱۳۸۲، *تحول زبان*، ترجمه‌ی ارسلان گلغام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

جهانگیری، نادر، ۱۳۷۵، "زبان‌شناسی تاریخی و چشم انداز آینده آن"، *مجله فرهنگ*، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱۷، صص ۵۹-۷۰.

چگنی، ابراهیم، ۱۳۸۲، *فرهنگ دائرةالمعارفی زبان و زبان‌ها*، تهران، انتشارات بهنام.

روبینز، آراچ، ۱۳۷۳، *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*، ترجمه‌ی علی محمد حق شناس، تهران، انتشارات کتاب ماد.

سایپر، ادوارد، ۱۳۷۶، *زبان*، درآمدی بر مطالعه‌ی سخن گفتن. ترجمه‌ی علی محمد حق شناس، تهران، انتشارات سروش.

کاتسندر، کنت، ۱۳۷۶، *زبان‌های جهان*، ترجمه‌ی رضی هیرمندی (خدادادی)، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

گویری، سوزان، ۱۳۸۶، "خویشاوندی زبان‌ها، خاستگاه زبان آلمانی و تحولات آن"، *پژوهش زبان‌های خارجی*، شماره ۳۷، صص ۷۱-۸۸.

مشکوه الدینی، مهدی، ۱۳۷۶، *سیر زبان‌شناسی*، چاپ دوم، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

Bennett, Charles E., 1908, *A Latin Grammar*, U.S.A., Norwood press.

Collar, William C., 1891, & others, *Beginner's Latin Book*, Boston, U.S.A.

D'ooge, Benjamin L., 1911, *Latin for Beginners*, Boston, U.S.A.

Oerberg, Hans H. & others, 1965, *Lingua Latina*, U.S.A., Nature Method Institute.



قدیمی‌ترین سنگ‌نوشته شناخته‌شده به زبان لاتین

